

تضمین و اقتباس آیات قرآن و همچنین اشارات و مفاهیم پزشکی و بهداشتی در تاریخ جهانگشای جوینی

علیرضا الهی^۱ علی فتح آبادی^۲ اسما رضایی مندی^۳ مهدی کیوانلو شهرستانی^۴

^۱ کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد مقدس، ایران. نویسنده مسئول: alirezaelahi1363@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد مقدس، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد مقدس، ایران.

^۴ کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد مقدس، ایران.

نویسنده مسئول: alirezaelahi1363@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

چکیده

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن در آثار نویسندگان، اقتباس و تضمین است. تاریخ جهانگشای جوینی که یکی از برجسته‌ترین متون نگارش یافته به نثر فنی می‌باشد، از این شیوه بسیار بهره برده است و یکی از مواردی که مورد توجه قرار گرفته، جایگاه دستوری آیات قرآن در جملات است. از این منظر که آیات قرآن به عنوان رکن تکمیل‌کننده‌ی جمله از جهت نقش‌های دستوری: گاهی نقش مفعولی، مضاف الیه، صفت، مسند و مانند آن را ایفا می‌کنند و نویسنده به گونه‌ای هنرمندانه از آیات قرآن، از سویی برای غنای معنایی و از سوی دیگر به منظور زیبا سازی فضای کلام و نمایاندن هنر نویسندگی استفاده کرده است بنابراین در این مقاله ضمن اشاره به تضمین و اقتباس و اغراض آن در تاریخ جهانگشای جوینی، انواع آن از دیدگاه‌های متفاوت بررسی شده است. همچنین در ادامه این مقاله، ابتدا به معالجه‌ی امراض توسط جادوگران و پری‌خوانان و نادرستی برخی از پیش‌بینی‌ها و درمان‌ها در حرفه‌ی طبابت و همچنین آگاهی یافتن از نشانه‌های امراض قبل از معالجت در آثار عطاملک جوینی به ویژه تاریخ جهانگشای جوینی می‌پردازد و در ادامه مزاج‌های چهارگانه را بازگو می‌کند و در پایان به برخی بیماری‌ها و داروها، نشانه‌ی امراض، آسیب‌ها و درمان‌ها می‌پردازد و در هر قسمت، ضمن تعریف و شرح مبحث مورد نظر، مصداق‌هایی نیز از آثار آن بزرگوار به عنوان نمونه می‌آورد.

کلیدواژه: قرآن، پزشکی، بهداشتی، تاریخ جهانگشای جوینی

مقدمه

عطاملک جوینی از نویسندگان و مورخان قرن هفتم هجری است که مدت‌ها در خدمت امیر ارغون، حاکم مغول در ایران به خدمات دیوانی اشتغال داشت، «گویا دبیر مخصوص او بود و به همین سبب در سفرهایی که امیر ارغون به قراقورم، پایتخت مغولستان می‌کرد همراه او بود و در این سفرها اطلاعات فراوان درباره‌ی مغولان و تاریخ چنگیز و جانشینان وی فراهم کرد و همان اطلاعات موقّع است که مطالب اساسی کتاب معروف او جهانگشای را تشکیل داده است» (ذبیح الله صفا، ۱۳۶۳، ۱۲۱۱). اثر ماندگار جوینی، تاریخ جهانگشا، در سه مجلد به شرح حکومت مغول، از چنگیز به بعد تا لشکرکشی هلاکو به ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و سلسله‌ی خوارزمشاهیان و قراختائیان و اسماعیلیه‌ی صباخیه اختصاص دارد.

این کتاب از حیث انتقال مطالب و فصاحت و بلاغت، نمونه‌ی اعلا‌ی نثر فارسی و بطور کامل منطبق بر شیوه‌ی نثر فنی می‌باشد و این سبک مشتمل بر «ایراد صنایع مختلف لفظی و آرایش‌های معنوی و اطناب سخن از راه توصیفات دور و دراز و آوردن امثال و اشعار و شواهد گوناگون از تازی و پارسی و به کار بردن اصطلاحات علمی و امثال آن‌ها» (همان، ۸۸۷).

در شیوه‌ی نثر فنی، که از نظر سیر تاریخی، بعد از نثر مرسل به وجود آمده، توجه اصلی نویسنده به آرایش کلام است و او «می‌کوشد معنی و مقصود خود را در جامه‌ی تشبیه‌ها، استعاره‌ها و کنایه‌های گوناگون و الفاظ و ترکیبات زیبا بیوشاند و برای آراستن کلام از آیه‌های قرآن و اخبار و احادیث و شعر و امثال و حکم بهره‌گیرد و افراط در به کار بردن همه‌ی این‌ها علاوه بر به وجود آوردن اطناب باعث می‌شود که جمله‌ها از سیاق طبیعی دور شوند و معنی و مفهوم آن‌ها در میان الفاظ پیاپی و مترادف و متجانس و سجع و آرایش‌های لفظی گم شود» (منصور رستگار فسایی، ۱۳۸۰، ۱۴۷).

«در تاریخ جهانگشای جوینی موازنه، سجع، تجنیس و اشتقاق و استدلالات از قرآن و حدیث و شواهد و امثال از شعر فارسی و تازی و تحلیل شعر و تلمیح از آیات قرآن دیده می‌شود» (محمد تقی بهار، ۱۳۷۰، ۵۳).

به عبارت دیگر، عطا ملک جوینی که درخاندان مترسّان و مستوفیان رشد کرده بود، به روش آنان کتاب خود را مترسّانه نوشت. اما به شیوه‌ی نویسندگان متصنّع عصر خود نیز، در عین توجّه به زیبایی سخن و اصالت، جانب صنعت و علاقه به تزیین کلام را نیز رها نکرد. «وی در مطاوی سخن به آوردن آیات و احادیث و استناد و یا تمثیل به آن‌ها و ذکر اشعار عربی و فارسی توجّه دارد. با این اوصاف، کتاب تاریخ جهانگشای جوینی علاوه بر آن که در زمره‌ی بهترین آثار تاریخی فارسی است، از جمله کتب درجه اول ادب فارسی نیز شمرده می‌شود» (همان، ۱۲۱۳).

قرن هفتم در تاریخ ادبیات ایران دوره‌ی بالندگی و شکوفایی زبان و نثر فارسی به شمار می‌آید و از مدّت‌ها قبل قرآن محور و مبنای دانش‌آموزی و علم‌اندوزی قرار گرفته بود و از سویی صورت و لفظ قرآن و از سوی دیگر باطن و معنای آن الهام‌بخش و زمینه‌ساز اندیشه‌های بارور و اذهان خلاق شده بود. پس از آن که اسلام به منظور جهانی شدن خود مرزهای شبه جزیره‌ی عربستان را در نوردید، ایران، جزو اولین کشورهای بود که در اواخر حیات خود از اعمال هر گونه ظلم و ستم و نابرابری در حق مردم، خودداری نمی‌کرد، در حالی که در این زمان ندای آسمانی «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» به گوش ایرانیان ناراضی از حکومت ساسانی می‌رسید.

پس از جنگ‌های بزرگ قادسیه در سال ۱۴ و جلولاء در سال ۱۶ هجری، سرانجام در جنگ نهاوند، معروف به فتح الفتوح، در سال ۲۱ هجری به سرداری نعمان بن فیروز دروازه‌های ایران به روی فاتحان عرب گشوده شد و این گونه بود که اسلام وارد ایران شد و طبقه‌ی زحمتکش و پایین جامعه‌ی ایران گروهی بودند که با آغوش باز آن را پذیرفتند.

بعد از ورود اسلام به ایران، آمیزش عمیقی بین مبانی و اصول دین اسلام و فرهنگ و سنن و آداب ایرانی حاصل شد، بنابراین فرهنگ ایران پس از اسلام، دیگر فرهنگی ایرانی به شمار نمی‌آید و فرهنگی ایرانی - اسلامی است که از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر فرهنگ اسلامی بر فرهنگ ایرانی، قرانت قرآن و به کار بستن اوامر و نواهی آن می‌باشد.

قرآن، به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، از همان بدو ورود اسلام به ایران، مورد توجّه و اقبال ایرانیان قرار گرفت. با نگاهی به اولین تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، این ادعا ثابت می‌شود و هر چه اسلام در ایران، پایدارتر و بر تعداد گروندگان به آن افزوده می‌شد، به همان نسبت توجّه به قرآن و مبانی آن در بین ایرانیان گسترش می‌یافت.

از آن‌جا که آدمی از دیرباز با هیاهوی دهشت‌ناک بیماری‌ها دست به گریبان بوده، طبیعی است که بخشی از باورها، مفاهیم و حتی واژه‌های مرتبط با طب و بهداشت به آثار ادبی راه یابد.

در آثار گران قدر عطا ملک جوینی نیز، برخی اشارات و مفاهیم پزشکی و بهداشتی متداول در عصر او، بازتاب یافته است که در این مقاله به آن‌ها می‌پردازیم. شناخت آن‌ها نه تنها بخشی از ظرفیت‌های ادبی و سخنورانه را نشان می‌دهد، بلکه به درک بیش‌تر ما درباره‌ی باورهای رایج در طب گذشتگان و نگرش آن‌ها در این مورد کمک می‌کند. مقوله‌ای که می‌توان آن را پزشکی سنتی و پزشکی عامه نامید.

اهداف تحقیق

بازکاوی پیوند و ارتباط میان ادبیات و آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی.

بررسی تحلیل و آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی.

اشارات و مفاهیم پزشکی در تاریخ جهانگشای جوینی

پرسش های تحقیق

علت تمایل، جوینی به اقتباس از آیات قرآن چه بوده و است؟

جایگاه دستوری آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی رعایت شده است؟

چه اشارات و مفاهیم پزشکی در تاریخ جهانگشای جوینی آمده است؟

فرضیه های تحقیق

رشد و شکوفایی تاریخ ادبیات در قرن هفتم و محوریت قرآن در کسب علم، باعث ایجاد پیوند بین ادبیات و قرآن گردیده است.

در راستای آرایش کلام در سیر تاریخی نشر فنی، استفاده از آیات قرآن، برای آراستن کلام، در کنار مواردی چون: شبیه، استعار و کنایه مورد توجه قرار می گیرد.

با ژرف اندیشی در لایه های زیرین متن تاریخ جهانگشا که نشانه هایی از تضمین و اقتباس آیات قرآن وجود دارد. امکان بازگویی شواهد مثال هایی در آن مهیا می گردد.

از آن جا که ادبیات هر ملت جلوه گاه اندیشه و تفکر آن ملت است؛ تفکر ایرانی نیز که در این زمان در ادبیات منثور و منظوم ایران جلوه گر می شد، آمیختگی نسبی با قرآن و مفاهیم آن پیدا کرده بود. «قرائت قرآن مجید و حفظ آن به ویژه در اوایل اسلام از نخستین واجبات مسلمانان بوده است و اوامر و نواهی آن در دل هایشان نقش بسته بود و آیات آن بر زبان گویندگان و خاصه نویسندگان جاری بود و در هر کاری از دین، شرع، لغت و انشا گرفته تا تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست و تدبیر مملکت مرجعیت یافته بود. خطیبان و نویسندگان اسلوب آن را در خطابه ها و نوشته های خود اقتباس می کردند و در مؤلفات خود به آیات آن تمثیل می جستند و آداب و تعالیم آن در اخلاق و اطوار ایشان آشکار گشته بود...» (علی اصغر حلبی، ۱۳۷۷، ۱۲).

شاید یکی از دلایل عمده ی رواج زبان عربی در بین ایرانیان و تأثیر آن در لهجه های ایرانی، همین توجه و اهمیت دادن به قرآن باشد؛ «قرآنی که هم از دیدگاه بلاغی و هنری، اوجی چنان دسترس ناپذیر داشت که دل از همگان به ویژه سخن شناسان و ادب ورزان و ذوقمندان می ربود و آن ها را شیفته و بهت زده می ساخت و هم از معارف و معانی و مبانی و احکامی چنان دل پذیر سرشار بود که بر جان و دل ها می نشست و اندیشه و عاطفه را سیراب می کرد، افزون بر این، معجزه ی پیامبر نیز بود و خود آشکارا همگان را به مبارزه و تحدی فرا خوانده بود. باطنی ژرف و شگرف و توی در توی نیز داشت» (سید محمد راستگو، ۱۳۷۶، ۴) و «شیوه ها و گونه های اثرپذیری از قرآن بسیار متنوع و مختلف است؛ گاه پوشیده و پنهان و گاه آشکار و عیان، گاه به شکل اشاره، تلمیح، تضمین، تحلیل و تمثیل یا به روش اثرپذیری واژگانی، گزاره ای، گزارشی، الهامی - بنیادی، تلمیحی، تطبیقی، تصویری یا ساختاری - سبکی» (همان).

تضمین و اقتباس، از شیوه های رایج تأثیرپذیری از قرآن است. البته برخی تضمین و اقتباس را دو صورت متفاوت تأثیرپذیری از قرآن می دانند (علی اصغر حلبی، ۱۳۷۷، ۵۰ و ۶۱). اما در بسیاری از کتابها، اقتباس و تضمین به روشی اطلاق می شود که: نویسنده عبارت قرآنی را با همان ساختار اصلی و گاه با اندکی تغییر در سخن خود قرار می دهد و در این امر اهدافی را دنبال می کند از جمله «تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تحلیل

و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته پردازی، فضل فروشی، هنرنمایی و جز آن» (سید محمد راستگو، ۱۳۷۶، ۳۰).

بنابراین قرآن و تأمل در آن علاوه بر این که زمینه ساز شکوفایی بسیاری از علوم و دانش‌های قرآنی از جمله صرف و نحو، تفسیر و تأویل و مانند آن شد، هم چون آذین و زینتی بر صفحه‌ی نوشته‌ها و سروده‌ها درخشان و مورد توجه قرار گرفت و در این مقاله سعی شده تا به بررسی تضمین و اقتباس آیات قرآنی و چگونگی و اغراض آن در تاریخ جهانگشای جوینی پرداخته شود.

تضمین و اقتباس آیات قرآن در تاریخ جهانگشای جوینی

به طور کلی در این کتاب ارزشمند، هم به دلیل سبک و سیاق نثر که فنی و مصنوع است و هم به دلیل احاطه‌ی عمیق نویسنده به معارف قرآنی، آیات قرآن خوش درخشیده‌اند.

تضمین و اقتباس به عنوان یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن به دو شکل کلی در این کتاب دیده می‌شود:

۱- گاهی آیه‌ی قرآن به دنبال جمله می‌آید و در ضمن آن قرار نمی‌گیرد. در این موارد آیه از اجزای تشکیل دهنده‌ی جمله نیست. به عنوان مثال در جمله‌ی زیر نویسنده آیه‌ی قرآن را پس از جمله‌ی کامل خود آورده و قطعاً به این ترتیب قصد داشته است کلامش را با استفاده از کلام خدا مستند کند.

«... و آن چه از وقایع، واقع شود از تخریب بلاد و تفریق عباد از نکبت اخیار و استیلاي اشرار، حکمت‌ها در ضمن آن مدرج باشد، قال الله تعالی: عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (عطاملک جوینی، ۱۳۸۵، ۸).

در جمله‌ی زیر نیز به قصد استناد و استشهاد، آیه‌ی قرآن را تضمین کرده است:

«چون در هر دوری و قرنی بندگان را بطر نعمت و نخوت ثروت... بر اقدام بر معاصی باعث و محرّض می‌گشته، کَلَّا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِٗٓ اَنۡ اَرٰهُ استغنی» (همان، ۱۱).

در مثال زیر آیه‌ی قرآن به قصد تعلیل و توجیه، تضمین شده است:

«... اسیر امیر و امیر اسیر شده، وَ كَانَ ذٰلِكَ عَلٰی اللّٰهِ يَسِيرًا» (همان، ۱۵).

گاهی نیز هدف تضمین، تبیین و توضیح است:

«... این قدر می‌نوشته‌اند که اگر ایل و منقاد نشوند ما آن را چه دانیم، خدای قدیم داند و چون در این معنی تدبیری می‌افتد سخن متوکّلان است. قال الله تعالی: وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (همان، ۱۸).

عطا ملک جوینی آن‌جا که مخاطبانش را از رویارویی با قوم مغول باز می‌دارد، می‌گوید آنان که به توصیه‌ی خدا و رسولش عمل می‌کنند با آنان که از در صلح وارد می‌شوند، صلح و آشتی می‌کنند و می‌نویسد:

«... و نفس و مال را در حصن عصمت و پناه امان آرند و وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ...» (همان، ۱۱).

بی‌شک غرض تضمین این آیه، استشهاد و تحذیر است.

در مواردی نیز نویسنده آیه‌ی قرآن را در ادامه‌ی جمله‌ی فارسی آورده و مفهوم جمله‌ی خود را با آیه‌ی مذکور کامل می‌کند، در عین حال که هر دو جمله از نظر دستوری کامل است:

«و بعد از آن تمام آن جماعت را در حضور یکدیگر بداشتند... و در مخالفت و اتفاق ایشان سؤال کردند، قَالُوا اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلٰی وَرَبَّنَا قَالِ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ» (همان، ۳۶).

آیه‌ی تضمین شده، آیه‌ی ۳۰ از سوره‌ی انعام است که اصل آن چنین است: «قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ...» و نویسنده برای آن که با سیاق جمله متناسب باشد، فعل را به صورت قالوا تغییر داده است. بنابراین مشخص است که نویسنده سؤال و جواب دو گروه را در قالب آیه‌ی تضمین شده مطرح کرده است.

۲- گاهی نیز آیه‌ی تضمین شده بخشی از جمله و به عبارت دیگر از اجزای تشکیل دهنده‌ی آن است. به این ترتیب آیه‌ی قرآن با نقش‌های زیر در جمله مشخص می‌شود:

مُضَافٌ إِلَيْهِ

«... بر قضیت حکم ربّانی وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا بَرُونَ...» (همان، ۱۱).

«... اگر تهدید سیف نیز که وعید عاجل است در ... بعضی از منافع وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ باطل گشتی...» (همان، ۱۲).

هر چند نقش مضاف الیه در بیش‌تر موارد، تبیین و توضیح است اما نویسنده علاوه بر این، قصد هنرنمایی و تفنّن نیز داشته است.

صِفَتٌ

«... و جماعتی آن‌اند که چون پرتو انوار هدی در دل حجری صفت فِیهِ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً تأثیر نموده است...» (همان، ۹)

«فرعونی ذواتاد و عادی به ابداع عدوی و فساد در بلاد و عباد...» (همان، ۵۹).

مَتَمِّمٌ

«... درهای داد و انصاف که به واسطه‌ی وَأَنْزَلْنَا الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ مفتوح و گشاده است، مغلّق ماندی...» (همان، ۱۲)

گاهی جملات استثنا‌ی قرآنی، برای کامل کردن جملات فارسی استفاده شده‌اند که در این موارد نیز در جایگاه متمّم قرار می‌گیرند:

«و سوسه‌ی شیطان ایشان را از راه سداد و جاده‌ی رشاد دور انداخت... إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ» (همان).

«... اکثر ایشان روی بدو آوردند، از خاصّ و عام؛ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (همان، ۸۱).

مَفْعُولٌ

«آن چه لایق افتد و در چشم رایق آید؛ اِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ بر ایشان خوانند و بر بقایا تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ» (همان، ۲۴)

«میان ایشان در این معنی سخن می‌رفت ناگاه هاتفی آواز داد که قَضَى الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ» (همان، ۱۱۳)

مَسْنَدٌ

«اهالی شهر پنداشتند مگر کاری کردند و ندانستند که وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَاهُ بَعْدَ حِينٍ خواهد بود.» (همان، ۱۲۸)

«گویی ستون‌های آن صد ساله درخت ناژ بود اما یار آن طَلَعَهَا كَأَنَّهَا رُثُوسُ الشَّيَاطِينِ» (همان، ۱۳۱)

قَيِّدٌ

«در بیداری حیرت سرگشته شدند و خسر الدنیا و الاخره در اباحت افتادند» (همان، ۲۳۸)

«دیگران برین جملت نوبت نوبت روان می‌شدند یحملون اوزارهم علی ظهورهم الاء مایزرون» (همان، ۵۰)

بدل

«هیچ چاره نبود فرار انبیا بر فریضه‌ی خدا و جاهدوا فی سبیل الله باموالکم و انفسکم تقدیم کرد» (همان، ۱۵۸)

معطوف

«... و لباس از استبرق و حریر و اطعمه و فواکه و لحم طیر ممّا یشتھون و فاکهه ممّا یتخیرون و اشربه مختوم ختامه مسک» (همان، ۱۶).

«لشکر ختای را دیدند چون رمه‌ی گوسفند ... از برودت هوا و افراط سرما گروه گروه شد و چون قنافظ در پای در هم کشیده و سلاح‌ها یخ گرفته؛ فترى القوم فیها صرعى كأنهم أعجاز نخل خاویه...» (همان، ۱۴۱)

گاهی آیه‌ی قرآن بعد از «که» موصولی قرار می‌گیرد و جمله پیرو است:

تصادم رعد به حدی است که وقت نعره‌ی آن یجعلون أصابعهم فی آذانهم من الصواعق حذر الموت و بریق برق به غایتی که کاد البرق یخطف أبصارهم و مشاهده رفته است...» (همان، ۱۴۹)

گاهی نیز آیه‌ی تضمین شده، جمله‌ی پایه است:

«... زینک و بد انیشده کوتاه کرد لیقضى الله امرأ کان مفعولا» (همان، ۵۶)

اگر ناگاه به لشکری احتیاج افتد، حکم کنند که چندین هزار باید فلان ساعت آن روز یا شب به فلان موضع حاضر آیند. لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون...» (همان، ۲۳)

به نظر می‌رسد که استفاده از آیه‌ی مزبور در جمله‌ی بالا خالی از کنایه و تعریضی نباشد و نویسنده عدم تقدیم و تأخیر را که در اصل آیه برای اجل (زمان مرگ) گفته شده برای لشکر مغول آورده است.

از نگاهی دیگر می‌توان انواع اقتباس و تضمین را در تاریخ جهانگشای جوینی به دو دسته تقسیم کرد:

۱- از جهت کیفیت ارتباط لفظی

الف: هنگامی که آیه‌ی قرآن بدون فاصله در ادامه‌ی عبارت فارسی قرار می‌گیرد: این نوع اقتباس و تضمین را دشوارترین اقسام آن گفته‌اند (ر. ک. حسین خطیبی، ۱۳۷۵، ۲۰۱).

«و هر یک از طرف نشینان که آوازه‌ی او می‌شنید از خوف صولت و بیم سطوت او أن تبتغی نفقا فی الأرض أو سلما فی السماء» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۲۱۲).

ب: پیوستن آیه به نثر فارسی همراه «که» موصول

«معلوم کنند فرمان ربّانی را که ولا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکة امام و مقتدا سازند» (همان، ۱۰).

ج) پیوستن آیه به عبارت فارسی در شکل ترکیب اضافی

«قومی از آن جمله که حکم استحوذ علیهم الشیطان داشتند، خواستند تا او را تعرضی و مکروهی رسانند...» (همان، ۷۲).

د) نقل آیه‌ی قرآن که به صورت مجزا و منفک از عبارت فارسی است:

«چون دور به ششصد و اند رسید از مبعث او ... کثرت مال و فسحت آمال سبب طغیان و اختزال شد. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (همان، ۱۲).

در بین اقسام چهارگانه ی مذکور تنها این مورد است که اگر آیه یا حدیث را از رشته ی عبارت جدا کنیم، پیوند معانی نخواهد شد (ر.ک. حسین خطیبی، ۱۳۷۵، ۲۰۲).

۲- از جهت کیفیت ارتباط معنوی آیات با عبارت فارسی

الف) به طریق تقسیم و تکمیل: در این روش آیه ی قرآن نه تنها از نظر لفظی بلکه از نظر معنایی نیز با اتساق و اتصال کامل به دنبال عبارت فارسی آورده می شود:

«بفرمود تا آن جماعت را حاضر آوردند از مطالبه ی آن قوم إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا و از استخراج مدفونات از نقود و تجمّلات گفتی و أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (عظاملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۱۸).

ب) کاربرد آیه به طریق تشبیه و تمثیل:

«چون سلطان مزور و سر خیل سپاه و لشکر، خمار مست شراب ادبار کما قال الله تعالی: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ نکایت ایشان مشاهده کرد ...» (همان، ۹۳).

ج) کاربرد آیه به طریق توصیف یا تشریح معنی قبل:

«جنان چنان پژمرده که پنداشتی آیت وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتِينَ در شأن آن مُنَزَّلَ بود» (همان، ۹۵).

لازم به ذکر است که روش تقسیم و تکمیل و توصیف آیه ی قرآن بیش تر در متن عبارت و روش تأکید و تأیید بیش تر در انتهای عبارت به کار می رود.

معالجه ی امراض توسط جادوگران و پری خوانان

با این که معالجه ی امراض توسط جادوگران، مربوط به ادوار قدیمی بشر می باشد، اما متأسفانه با گذشت قرن ها، مشاهده می شود که این طرز فکر، در قرن هفتم نیز در بین برخی از عوام وجود داشته است.

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، در «ذکر خروج تارابی» می نویسد: «در سال ۶۳۶ قرآن نحسین بود. منجمان پیش گوئی کرده بودند، فتنه ای ظاهر می شود. در قریه ی تاراب در سه فرسنگی بخارا، مردی به نام محمود غربال بند، دعوی پری داری و ارتباط با جنیان کرد و در شهرهای خراسان، عوام هنگام بیماری، پری خوان را دعوت می کنند، تا آن ها را معالجه کند. خواهر او نیز به او کمک کرد و عده ی زیادی از عوام روی به او نهادند و اتفاقاً یکی دو نفر با معالجات او صحت یافتند، به طوری که مردم ادعا کردند، با فضله ی سگ، چشم کور را معالجه می کند. یکی از علمای بخارا به نام شمس الدین محبوبی نیز به خاطر مخالفت با دانشمندان آن جا به او پیوست و گفت علامات ظهور تو در کتاب های پدرم آمده است. چون آشوب بالا گرفت، رسولی نزد صاحب یلواج فرستادند. مردم نیز تارابی را به شهر بخارا دعوت کردند...» (ر.ک. عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۲۱۹-۲۲۳).

بنابراین عوام در برخی از مناطق معتقد بودند که پری خوانان با عمل «جن گیری» و احضار جن ها یا پریان و ارواح و تحت تصرف خود درآوردن آن ها، می توانند امراض و بیماری های آنان را معالجت و درمان نمایند.

نادرستی برخی از پیش بینی ها و درمان ها در حرفه ی طبابت

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی در حکایتی، به نمونه‌ای از نادرستی برخی از معالجات‌های طبابت اشاره می‌کند و می‌گوید: «و در بخارا از چند معتبر مقبول قول شنیدم که ایشان گفتند: در حضور ما به فضله‌ی سگ دو نابینا را دارو در چشم دمید، صحت یافتند. من جواب دادم که بینندگان نابینا بودند» (همان، ۲۱۹).

حتماً امروزه نیز علی‌رغم همه‌ی پیشرفت‌ها در امر تشخیص و درمان بیماری‌ها، برخی اوقات، تعیین پیش‌آگهی بیماری‌ها، ممکن است غلط از کار در بیاید.

آگاهی یافتن از نشانه‌های امراض قبل از معالجت

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، در «ذکر توجّه امیر ارغون به قوریلته‌ی بزرگ» به این نکته‌ی مهمّ پزشکی اشاره می‌کند و می‌گوید: «و پوشیده نیست که طبیب حاذق پیش از شروع در معالجت از علامات مرض و مبادی آن و قوّت و ضعف استکشاف نماید و بر دلیل و نبض خود را وقوف دهد تا چون اسباب و علامات آن بشناخت، معالجه آسان شود و بر حسب مزاج دارو آمیخته گرداند» (همان، ۷۳۹).

بنابراین قبل از درمان و معالجه‌ی بیماری، باید از علایم و نشانه‌های آن بیماری اطلاع پیدا کرد.

اشاره به بستن اعضای شکسته شده

عطا ملک جوینی با آوردن ابیاتی در شرح «ذکر جغتای» به این موضوع اشاره می‌کند:

آن‌ها که متاع عمر خود بر بستند از محنت و رنج این جهانی رستند

بشکست تن من از گناه بسیار ز آن بود که این شکسته را بر بستند

(همان، ۳۷۷)

در حقیقت عطا ملک جوینی، با آوردن این ابیات به این موضوع پزشکی اشاره می‌کند که پس از مشاهده‌ی علایم شکستگی، باید آن‌ها را بست.

مزاج‌های چهارگانه (اخلاط اربعه)

در طبّ قدیم باور بر این بود که انسان دارای چهار مزاج سرد، گرم، مرطوب و خشک است. افزون بر آن، چهار طبع برای فرد بر می‌شمرند: صفرا، بلغم، سودا و دم (خون) که توازن بین آن‌ها را موجب تن درستی می‌دانستند.

عطا ملک جوینی در «ذکر احوال سلطان محمد خوارزم شاه» می‌گوید: «... باز آن که این نصایح را به گوش خرد ننمود، رسول را نیز بکشت، و این حرکات نالایق موجبات موادّ تولّد فاسدات اخلاط و انتقام غضب شد و سبب مکافات و اقتحام» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۱۲۴).

و در جایی دیگر می‌گوید: «و حکیم اکبر به طباع و امزجه‌ی بندگان خویش نیک خبیر تواند بود و به استعمال ادویه‌ای که ملائم وقت و مناسب طبیعت، بصیر، انّ الله تعالی لخبیر بصیر» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۳۹).

دم (خون)

خون در طبّ قدیم یکی از چهار طبع انسان (طبایع بشر) نامیده شده است و عطا ملک جوینی، بارها در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی بدان اشاره نموده است:

به هر سو که باره برانگیختی همی خاک با خون بر آمیختی

(همان، ۲۴۱)

در خون گلم که چهره بنمود با وقت چنین، چه وقت گل بود امسال

(همان، ۲۴۵)

سودا و سودازدگی

سودا یکی از اخلاط چهارگانه که قدما افزون شدن آن را در بدن باعث زیاد شدن خیالات می دانستند. «سودا دُردی خون است و طبع آن سرد و خشک و رنگ او سیاه است و ... تولد او اندر جگر باشد ... هم چنان که صفرا را خزینه‌ای است ... سودا را نیز خزینه‌ای است و آن سپرز است ... و هر گاه که سودای فزون‌تر به دماغ برسد، مالیخولیا ... شود» (سید اسماعیل جرجانی، ۱۳۵۵، ۱۴).

سودا نام خلطی از اخلاط چهارگانه است که به عقیده‌ی قدما افزون شدن آن باعث ایجاد عشق، مالیخولیا و نهایتاً جنون می‌شود:

دماغش را چنان سودا گرفته است کز آن سودا ره صحرا گرفته است

(نظامی، ۱۳۴۳، ۲۲۶)

و به همین علت مجازاً به معنی اندیشه، خیال و فکر نیز آمده است:

ز سودا که آن پوشم و این خورم نپرداختم تا غم دین خورم

(مصلح بن عبدالله سعدی، ۱۳۶۳، ۱۸۴)

عطا ملک جوینی گفته است: «... و هر چه او گفتی از آن عدول نکردی تا کار او نیز قوی گشت و حشم بسیار بر او جمع آمدند و در دماغ او سودای ملک پدید آمد» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۵۵).

او هم‌چنین در جای دیگری می‌گوید: «و از سبب استیلای جیوش هموم و غموم، شب جوانی او به صباح پیری کشیده بود و از غالیه، چشمه‌ی کافور جوشیده و از تف درون و ثوران، ماده‌ی سودایی...» (همان، ۲۷۱).

و در جای دیگر می‌آورد: «تا روز دیگر که طلایع صباح تیغ‌های درفشان را از نیام افق شرقی طلوع داد، و سودای سپاه از دماغ سپاه بیرون برد، سلطان بدیشان رسید و کار حرب را بسیجید» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۱۲۸).

بنابراین «در پزشکی قدیم سودا را از اخلاط اربعه و به رنگ سیاه و جایگاه آن را در طحال می‌دانستند. به دشواری بتوان حکم کرد که مراد از سودا و سودازدگی کدام بیماری است، اما احتمالاً مراد از آن روان پریشی یا دیوانگی است» (ر.ک. علی اکبر باقری خلیلی، ۱۳۸۲، ۲۰۳-۲۰۴).

عطا ملک جوینی درباره‌ی روان پریشی یا دیوانگی گفته است:

چو قطره بر ژرف دریا بری به دیوانگی ماند این داوری

(عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۳۳۰)

برخی بیماری‌ها و داروها، نشانه‌ی امراض، آسیب‌ها و درمان‌ها

خُنَاق (دیفتری)

خُنَاق (دیفتری) نوعی بیماری میکروبی واگیردار است که با بروز غشای خاکستری رنگ و نرمی روی حلق و حنجره مشاهده می‌شود (ر.ک. سید علی رضوی بهابادی و حسین حسن پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۴۸۰).

اثرات کشنده و خطرناک این بیماری، مربوط به «اگزوتوکسین» آن می‌باشد و سرایت آن از راه ترشحات بینی و گلو است، و مدت انتقال در افرادی که معالجه نشده‌اند دو هفته می‌باشد و در صورت درمان، مدت واگیری کم تر از چهار روز است. واکسیناسیون مربوط به این بیماری، منجر به کاهش مرگ و میر بیماران شده است (ر.ک. پرویز وزیریان، ۱۳۷۱، ۱۲).

عطا ملک جوینی نیز به بروز این بیماری در قرن هفتم، در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی اشاره نموده است: «... معلوم و محقق است که اضطراب در ربقه‌ی خناق جز هلاکت نیفزاید و از مباشرت توهم و تخیل جز جنون نزاید» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۱۴۸).

و در جای دیگر می‌آورد: «... در اثنای آن عارضه‌ی دموی روی نمود و به خناق «نعوذ بالله منها» سرایت کرد، اطباً معالجه‌ی آن کردند. چون روی به صحت آورد، عزیمت حرکت به امضا پیوست. هر چند اطباً از سفر و حرکت منع می‌کردند» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۵۳۵).

جَرَب (بیماری گری)

جرب (بیماری گری) نوعی بیماری واگیردار پوستی است که با جوش‌هایی بر روی پوست و خارش شدید همراه است (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۳۲۱).

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشا، در «ذکر واقعه‌ی نیشابور» به این بیماری پوستی، اشاره نموده است: «و از سبب استیلاهی جیوش هموم و غموم، شب جوانی او به صباح پیری کشیده بود و از غالیه، چشمه‌ی کافور جوشیده و از تفّ درون و ثوران، ماده‌ی سودایی، جرب از اعضای او مانند حباب در غلیان آب، به ظاهر پوست دمیده» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۱۰۳).

هاری

هاری یک بیماری مشترک بین انسان و حیوانات پستان‌دار است. بیماری بیش‌تر از همه در گوشت‌خواران، مانند سگ، گربه، شغال، گرگ و علف‌خواران مانند گاو، گوسفند و بز و بالاخره حیواناتی نظیر خفاش نیز دیده می‌شود (ر.ک. پرویز وزیریان، ۱۳۷۱، ۸۶).

هاری، بیماری عفونی ویروسی است که عامل آن ویروس «فیلتران» است و به وسیله‌ی جانوران بیمار به ویژه سگ و گربه، از راه گاز گرفتن به انسان و دیگر حیوانات سرایت می‌کند. ویروس این بیماری به خصوص در بزاق دیده می‌شود و با تحریکات عصبی عضلانی مشخص می‌گردد (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۱۰۵۹).

انسان یا حیوان سالم، پس از گزیده شدن توسط حیوان ناقل ویروس و یا از طریق لیسیده شدن پوست خراش‌دار، توسط سگ‌ها مبتلا می‌شود و ویروس به بدن او راه می‌یابد (ر.ک. پرویز وزیریان، ۱۳۷۱، ۸۶).

عطا ملک جوینی نیز در کتاب تاریخ جهانگشای خود، از سگ دیوانه یا سگ هاری نام می‌برد که به خاطر بیماری، در هیچ‌جا راه نمی‌دهند و دائماً آن را فراری می‌دهند: «چون کوچک منهزم شد، هر کس که در آن شهر در خانه‌های مسلمانان مقام داشتند، ... و او را چون سگ دیوانه (سگ‌هار) می‌دوانید، تا به حدود بدخشان افتاد» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۷۹).

بدین ترتیب عطا ملک جوینی با آوردن سگ دیوانه (سگ‌هار) به طور غیر مستقیم به این بیماری اشاره نموده است.

مالیخولیا

مالیخولیا (سودا و خلل دماغی)، نوعی ناراحتی روانی است که با افسردگی شدید مشخص می‌شود (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۸۶۵).

عطا ملک جوینی نیز، به این بیماری اشاره کرده است، و در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی می‌نویسد: «چون پنج شش سال از مدت مملکت آن کودک بگذشت، بی مرضی و موجبی به خلاف اشارت و مشاورت طبیعی که ایشان را بود، فصد کرد و خون به افراط بیرون گذاشت، دماغش به خلل

رسید و خیالات در پیش او ایستاد و به کم مدتی مالیخولیا پدید آمد، چون کسی را زهره و یارا نبودی که گفתי احتمایی یا معالجتی می باید کرد، و اطباء که آن جا بودند و جماعتی که عقل و وقوفی داشتند، نیارستندی. گفت که او را مالیخولیا است» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۱۲۹).

کابوس

کابوس (شبح)، حالت هیجان و شبه سرسام و ناراحت کننده‌ای است که در خواب بر انسان عارض می‌شود و نیز افکار و تصوّرات نامعقول که با اشباح خیالی و عذاب دهنده همراه است (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۷۵۱).

عطا ملک جوینی نیز می‌گوید: «جاسوس نام و ننگ ملت و ملک رسوا شد، و ناموس بآس و سیاست پیدا، تا کابوس عجز و ضعف مستولی، و طاووس مُلک، شکار جغدان بلا گشت» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۱۳۰).

پیسی (ابرس)

پیسی (ابرس)، بیماری پوستی است که در آن بدن بیمار دارای لکه‌های کم و بیش وسیع سفید می‌شود (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۲۳۱).

عطا ملک جوینی نیز با آوردن آیه‌ای از قرآن کریم در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، به این بیماری پوستی اشاره کرده است: «وَتَبْرِیْءُ الْأُكْمَهْ وَالْأَبْرَصِ» (مائده، ۱۱۰). و اگر من این حالت به چشم خود مشاهده کنم، به مداوای چشم مشغول شوم» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۲۱۹).

ابنه

نوعی بیماری جنسی است که در آن مرد دوست دارد مفعول واقع شود و به این کار خوگر شده است (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۴۵).

عطا ملک جوینی نیز در کتاب تاریخ جهانگشا، در هنگام نوشتن شرح حال مغولان به این بیماری جنسی اشاره نموده است: «و در این عهد در میان مغولان، قومی که ابنه بر ایشان غالب می‌شود و اباطیل می‌گویند و دعوی می‌کنند که شیاطین مسخر ماست و از احوال اعلام می‌دهند» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۷۱).

اسهال

اسهال، همان روان شدن شکم است و نوعی بیماری است که در اثر خوردن «مسهل» (دارویی که اسهال بیاورد) یا غذاهای فاسد و حمله‌ی آمیب اسهال در روده ایجاد می‌شود و موجب آبکی شدن مدفوع می‌گردد (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۹۰).

عطا ملک جوینی نیز با آوردن ابیاتی، در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، در «ذکر جغتای» به «حَبِّ مُسْهَل» (دارویی گرد و گلوله مانند، شبیه به قرص های امروزی که اسهال بیاورد) اشاره نموده است.

با دشمن و دوست عیش خوش کردم و رفت

وین رخت حیات زیر کش کردم و رفت

دست اجلم داد حَبِّ مسهل روح

صد لعنت نقد بر حبش کردم و رفت

(عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۳۷۷)

بدین ترتیب، عطا ملک جوینی با آوردن «حَبِّ مسهل» به طور غیرمستقیم به این بیماری اشاره کرده است.

عطا ملک جوینی در جای دیگر می‌گوید: «جلال الدین را مرض موت اسهال بوده است. تهمت نهادند، که زنان او به اتفاق خواهرش و جماعتی خویشان او را زهر دادند...» (همان، ۱۱۲۸).

حُمّی مُطَبَّقه و تب لازمّه

«حُمّی مطبّقه» به تب دائم که شبانه روز قطع نگردد، اطلاق می‌شود و «تب لازمّه» به تبی که پیوسته باشد و قطع نگردد، گفته می‌شد.

و «تب» نوعی بیماری است که دمای بدن بیش از حدّ طبیعی بالا می‌رود (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۲۴۶).

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، به این دو نوع تب، که گویا خاصّ خراسان و عراق بوده است اشاره نموده است: «به خلاف خراسان و عراق که عارضه آن حُمّی مطبّقه و تب لازمّه است، هر شهری و هر دهی را چند نوبت کشش و غارت کردند...» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۲۰۹).

طین مختوم

«طین مختوم» گلی سرخ رنگ است که در پزشکی به کار می‌رفته است (ر.ک. عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۲۹۳).

و خاکی است که با زهر، مقاومت و مقابله کند و مضرّات او را دفع نماید و زخم دندان و نیش گزندگان را دفع کند (ر.ک. عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۴۱۶).

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی به این نوع خاک یا گل، که مصرف دارویی داشته است اشاره کرده است: «و عادت دیگر آن داشتی که به خطّ خویش، رقعها نوشتی: بعضی آن که حامل این رقع را هزار دینار یا فلان شهر یا خلعتی چنین گران مایه بدهند ... و رقعها را در موم و عنبر و طین مختوم کردی و روز بار بر افشاندی» (عطا ملک جوینی، ۱۳۶۸، ۲۱۳).

تباشیر

تباشیر، ماده‌ای سنگی است که در بندهای قسمی خیزران (نی هندی) به واسطه‌ی انعقاد ترشحات آن تشکیل می‌یابد و ترکیبی است از سیلیس و آهک و پتاس (ر.ک. غلامحسین مصاحب، ۱۳۴۸، ۳۹۱).

این ماده‌ی سفید رنگ مانند استخوان است و سابقاً استفاده‌ی دارویی داشته است (ر.ک. سیدعلی رضوی بهابادی و حسین حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۷۸، ۲۴۶).

هیچ دل گرم راشربت دنیا نساخت ز آن که تباشیر اوست بیش تری استخوان

(خاقانی شروانی، ۱۳۷۳، ۳۳۰)

و معمولاً به سب رنگ سفید آن، چیزهای سفید را به آن تشبیه می‌کنند:

تنی چون شیر با شکر سرشته تباشیرش برابر شیر هشته

(نظامی، ۱۳۴۳، ۳۹۱)

عطا ملک جوینی در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی می‌گوید: «... و تا به وقت تباشیر صبح، میان ایشان مکالمت بود، و تا مدّت هفت سال و شش ماه و بیست و دو روز، هر شب باز آمدی و سخن می‌گفتندی» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۷۰).

محموده (سقمونیا)

محموده (سقمونیا) دارویی است مسهل، شیرهی نوعی گیاه که خاصیت ملینی دارد: سقمونیا ... اسهال را به صفرا دفع کند و معده و جگر و امعاء را زیان دارد و از جهت دفع این مضرت ... با انیسون به هم بیامیزند (ر.ک. موقّق الدّین ابومنصور علی الهروی، ۱۳۴۶، ۱۹۱).
عطا ملک جوینی می‌گوید: «... و باز آن را به خصال محموده و خلال پسندیده با مقام اعتدال آرد، چنان که مداوای حاذق در دفع امراض مذمومه، محموده در مسهلات به کار دارد و باز آن را مصلحات واجب داند تا مزاج به کلی از قرار اصل منحرف نشود و تغییر نپذیرد و ...» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۱۳۸).

نتیجه‌گیری

بنابر آن‌چه گفته شد، می‌توان دریافت که در تاریخ جهانگشای جوینی مانند دیگر متون نگارش یافته به نثر فنی، نویسنده در تمسک به آیات قرآن مقاصد خاصی می‌طلبد؛ از سویی قطعاً به تیمّن و تبرک نوشته‌ی خود با آیات قرآن بی‌توجه نیست و از سویی دیگر به تناسب لطفی و آرایش کلام و نیز وسعت بخشیدن به دایره‌ی اغراض و معانی با استفاده از آیات قرآن عنایت خاص دارد. به همین دلیل در تضمین و اقتباس که از رایج‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از آیات قرآن است او با مهارتی بی‌نظیر نهایت استادی و تبحر خود را به کار برده تا نثرش از گونه‌های متنوع و متعدّد از قرآن بهره‌مند شود. نکته‌ی در خور توجه آن است که لطف خیال، دقت تعبیر، باریک‌اندیشی و مبالغه سبب شده است که گاهی نویسنده، آیه‌ی قرآن را آن‌چنان که خود می‌خواهد در متن جمله قرار دهد و حتی در مواردی در بخش یا کلمه‌ای از آن دخل و تصرف کند. از آن‌جا که بشر از دیرباز با امراض و بیماری‌ها سر و کار داشته است، به نظر می‌رسد که برخی از مفاهیم و اعتقادات و باورهای عامیانه‌ی فرهنگ‌های کهن در زمینه‌ی طب و بهداشت نیز به آثار ادبی راه یافته باشد.

در این مقاله سعی شد که از زاویه‌ی خاصی به آثار عطا ملک جوینی خصوصاً تاریخ جهانگشای جوینی نگریسته شود. با مطالعه‌ی این آثار از منظر بهداشت، برخی از اشارات و مفاهیم پزشکی و بهداشتی که در عصر او، متداول بوده است، استخراج و در حدّ توان، شرح و توضیح داده شده شد. با مطالعه‌ی کتاب تاریخ جهانگشای عطا ملک جوینی و دیگر آثار او، متوجه خواهیم شد که علم پزشکی در آن دوره، نسبتاً خوب رشد کرده بود. اگر چه از فعالیت دروغ‌پردازان کاملاً جلوگیری نشده بود، اما ایلخانان و مردم دیگر با این همه می‌دانستند که در هنگام لزوم نزد پزشکان حاذق بروند. در تاریخ جهانگشای جوینی که آینه‌ی عقاید و رفتار قوم مغول است، هر چند پزشکی مهم‌ترین دانش مورد علاقه‌ی آن‌ها به نظر می‌رسد، اما همین دانش نیز با سحر، جادو، خرافه و افسون آمیخته شد، تا جایی که گاه مضحک و نفرت‌آور می‌شود و این‌گونه داد عطا ملک جوینی را بلند می‌کند: «و در بخارا از چند معتبر مقبول قول شنیدم که ایشان گفتند: در حضور ما به فضله‌ی سگ دو نابینا را دارو در چشم دمید، صحت یافتند. من جواب دادم که بینندگان نابینا بودند» (عطا ملک جوینی، ۱۳۸۵، ۲۱۹).

در پایان، مقاله‌ی خود را با این جمله از عطا ملک جوینی به پایان می‌رسانم که می‌گوید: «آن‌چه را روزگار تباه کند، هرگز پزشک اصلاح نخواهد کرد».

کتابنامه

قرآن کریم

۱. بهار، محمد تقی: سبک شناسی، بی چا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.
۲. جوینی، عطاملک: تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح حبیب الله عباسی و ایرج مهرکی، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۵.
۳. حلبی، علی اصغر: تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، بی چا، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.
۴. خطیبی، حسین: فن نثر، بی چا، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۵.
۵. راستگو، سید محمد: تجلی قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۶. رستگار فسایی، منصور: انواع نثر فارسی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۷. صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، بی چا، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۳.
۸. باقری خلیلی، علی اکبر: فرهنگ اصطلاحات طبی، بی چا، بی ناشر، تهران، ۱۳۸۲.
۹. جرجانی، سید اسماعیل: ذخیره ی خوارزم شاهی، به کوشش سعیدی سیرجانی، بی چا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵.
۱۰. جوینی، عطا ملک: گزیده ی تاریخ جهانگشای جوینی، به انتخاب و توضیح جعفر شعار، چاپ اول، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. جوینی، عطا ملک: تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح حبیب الله عباسی و ایرج مهرکی، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. جوینی، عطا ملک: تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، ۳ جلد، چاپ اول، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۵.
۱۳. خاقانی، شروانی: دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء الدین سجادی، بی چا، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۳.
۱۴. رضوی بهابادی، سیدعلی و حسن پور آلاشتی، حسین: فرهنگ زبان فارسی، چاپ سوم، انتشارات بهاباد، یزد، ۱۳۷۸.
۱۵. سعدی، مصلح بن عبدالله: کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. مصاحب، غلامحسین: دایرة المعارف فارسی، بی چا، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۴۸.
۱۷. نظامی: لیلی و مجنون، تصحیح وحید دستگردی، بی چا، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۴۳.
۱۸. وزیریان، پرویز: مروری بر بهداشت، چاپ اول، مرکز خدمات علمی رزمندگان اسلام، تهران، ۱۳۷۱.
۱۹. هروی، موقّق الدّین ابو منصور علی: الأبنیه عن حقایق الأدویّه، تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، بی چا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶.

